

The Mediating Role of Communication Beliefs and Marital Self-Regulation in the Relationship Between the Dyadic Perspective Taking of the Spouse and Marital Conflicts

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of communication beliefs and marital self-regulation in the relationship between spouse cognitive perspective and marital conflicts in women referring to counseling centers in Bushehr city in 2021. The statistical population consisted of 487 married women referring to counseling centers in Bushehr city, out of whom a random sample of 250 individuals was selected. This was a correlational study and the data were collected using the Dyadic Perspective Taking Scale (ODPT), Relationship Beliefs Inventory (RBI), Behavioral Self-Regulation Scale (BSR), and Marital Conflict Questionnaire (MCQ). The collected data were analyzed using structural equation modeling (SEM) method with SPSS and Amos software version 21. The results showed a direct effect of spouse cognitive perspective on communication beliefs ($\beta = 0.64$), marital self-regulation ($\beta = 0.55$), and marital conflicts ($\beta = 0.29$), and an indirect effect on marital conflicts through communication beliefs ($\beta = 0.18$). Therefore, it can be concluded that the spouse cognitive perspective predicts marital conflicts through the mediation of communication beliefs and marital self-regulation. Family counselors, psychologists, and educational specialists are advised to focus on improving marital self-regulation and modifying communication beliefs between couples to reduce marital conflicts.

Keywords: *Communication Beliefs, Dyadic Perspective Taking of the Spouse, Marital Conflicts, Marital Self-Regulation.*

Extended Abstract

Aim

Formation of family and marital relationships is one of the important issues in people's lives. The quality of these relationships and the satisfaction of couples with their relationship and marital life have a significant impact on their mental health. Marital conflicts can have both overt and covert causes, with the former being expressed through arguments and disputes between partners, and the latter being more difficult to detect due to their subjective nature. Among the factors that can have a significant impact on the formation of marital relationships is the spouse's understanding perspective, which includes their attitudes and understanding of their partner's feelings, needs, and behaviors. Communication beliefs are attitudes, beliefs, and expectations that are used in a relationship between two people to achieve common goals, maintain a healthy relationship, or resolve problems. Among these beliefs, self-regulation is one of the most effective skills in maintaining marital relationships. This skill helps couples find the best solution to marital problems and tensions by using appropriate strategies. Therefore, the purpose of this study was to model the spouse's understanding perspective with the mediating role of communication beliefs and marital self-regulation on marital conflicts of women referred to counseling centers in Bushehr city.

Methodology:

This was applied research conducted using the path analysis with correlation method. The statistical population of this study was 487 married women referred to counseling centers in Bushehr city in 2021, out of which 250 individuals were selected by random sampling. The research tools included the Spouse Perception Inventory (ODPT), Communication Beliefs Scale (RBI), Marital Self-Regulation (BSR), and Marital Conflicts Questionnaire (MCQ). Data analysis was performed using path analysis through SPSS and Amos software version 21.

Findings:

The results showed a direct effect of the spouse's understanding perspective on communication beliefs ($\beta=0.64$), marital self-regulation ($\beta=0.55$), and marital conflicts ($\beta=-0.29$), as well as a significant indirect effect of the spouse's understanding perspective on marital conflicts ($\beta=-0.18$) through the mediation of communication beliefs and marital self-regulation. The R2 value indicated that 33% of the variance in marital conflicts could be explained by the spouse's understanding perspective with the mediation of marital self-regulation and communication beliefs. Additionally, the results showed a partial mediating role of communication beliefs and marital self-regulation in the relationship between the spouse's understanding perspective and marital conflicts.

Conclusion:

Considering the mediating role of communication beliefs and marital self-regulation in the relationship between the spouse's understanding perspective and marital conflicts of women referred to counseling centers in Bushehr city, it is recommended that family counselors, psychologists, and educational specialists focus on improving the skills of marital self-regulation and

correcting communication beliefs between couples to reduce marital conflicts. These two variables can have a more effective role in reducing marital conflicts.

Keywords: *Communication Beliefs, Dyadic Perspective Taking of the Spouse, Marital Conflicts, Marital Self-Regulation.*

نقش واسطه‌ای باورهای ارتباطی و خودتنظیمی زناشویی در ارتباط بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات

زناشویی

چکیده

هدف این پژوهش، نقش واسطه‌ای باورهای ارتباطی و خودتنظیمی زناشویی در ارتباط بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر بوشهر در سال ۱۴۰۰ بود. جامعه آماری ۴۸۷ نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر بوشهر نفر بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی به حجم ۲۵۰ نفر انتخاب شدند. این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی بود ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌های مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT) باورهای ارتباطی (RBI)، خودتنظیمی رفتاری (BSR) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) بودند. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها، از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos ویرایش ۲۱ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد اثر مستقیم دیدگاه فهمی همسر بر باورهای ارتباطی ($\beta = -0/64$)، بر خودتنظیمی زناشویی ($\beta = 0/55$) و بر تعارضات زناشویی ($\beta = -0/29$) و اثر غیر مستقیم دیدگاه فهمی همسر بر تعارضات زناشویی معنی دار بود ($\beta = -0/18$)، نتایج نشان داد که دیدگاه فهمی همسر با واسطه‌گری باورهای ارتباطی و خودتنظیمی زناشویی پیش بینی کننده تعارضات زناشویی باشد. بنابراین مشاوران خانواده، روانشناسان و متخصصین علوم تربیتی جهت کاهش تعارضات زناشویی تمرکزشان بر ارتقاء خودتنظیمی زناشویی زوجین و همچنین اصلاح باورهای ارتباطی بین زوجین باشد.

کلید واژه‌ها: باورهای ارتباطی، تعارضات زناشویی، دیدگاه فهمی همسر، خودتنظیمی زناشویی.

۱. مقدمه

تعارضات زناشویی^۱ به مشکلاتی اشاره دارد که می‌تواند در روابط جنسی و عاطفی بین دو نفر ایجاد شود. این مشکلات ممکن است از موضوعاتی مانند بی‌اعتمادی، کمبود ارتباط، عدم تفاهم، نارضایتی جنسی، عدم توافق در مورد مسائل مختلف و یا مشکلات فردی و روانی ناشی شوند. تعارضات زناشویی ممکن است در هر مرحله‌ای از رابطه زوجین ایجاد شوند، از جمله در دوره شروع رابطه، دوران عقد، دوران بارداری، دوران پس از تولد فرزند و یا حتی بعد از سال‌ها ازدواج. همچنین تعارضات زناشویی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم روی روابط زناشویی تأثیر بگذارد، به عنوان مثال می‌تواند باعث کاهش جنسیت و علاقه به فعالیت‌های جنسی شود و یا به شکست رابطه منجر شود. تعارضات زناشویی ناهماهنگی زن و شوهر در نیازها و روش‌های برآورده کردن آن، خودمحوری، تفاوت در خواسته‌ها و رفتارهای غیر مسئولانه نسبت به روابط زناشویی در خانواده است (یانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۶). در ارتباط بین همسران، تعارض وقتی بروز می‌کند که یکی از آنان بین هدفها، خواسته‌ها یا امیال شخصی خودش و همسرش ناهمسازی و ناهمخوانی ببیند (ماخونوا و همکاران^۳، ۲۰۱۸) به گونه‌ای که هم نظام خانواده را متزلزل می‌کند و هم بر رشد عاطفی، اجتماعی و سازگاری بعدی زوجین تأثیر منفی می‌گذارد (پاپ^۴، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان می‌دهد که تعارض زوجین در روابط خانوادگی امری بدیهی است، اما زمانی که مرتباً و با شدت زیاد تکرار شود و به طور رضایت‌بخش حل نشوند، می‌تواند بر کیفیت رابطه عشقی و زناشویی تأثیر منفی بگذارد (نئون، واگنر و رمور^۵، ۲۰۱۸) به عبارتی وجود اختلاف، تعاملات تنش‌زا و خصمانه میان همسران و بی‌احترامی و هتک حرمت و ناسزاگویی، نمونه‌هایی از تعارض است (ژائو و بوهرلر^۶، ۲۰۱۹) که می‌توانند به صورت افسردگی یک یا هر دو زوج، سوء رفتار با همسر و درگیری لفظی و فیزیکی صورت بگیرد و گاهی منجر به طلاق گردد (کریبت و همکاران^۷،

1. marital conflict

2. Yang et al.

3. Makhanova et al.

4. Papp

5. Neumann, Wagner & Remor

6. Zhou & Buheler

7. Cribbet et al.

۲۰۲۰). چن، چن و بانونا^۱ (۲۰۱۸) معتقدند تعارض زناشویی جزء لاینفک و بخش اجتناب‌ناپذیر روابط زناشویی است. در این میان آنچه که اهمیت دارد شیوه درک و کنترل تعارض توسط زوجین است. بنابراین زوجینی که از راهبردهای حل تعارض آگاهند و در هنگام تنش‌ها، جو را کنترل می‌کنند، از کمترین آسیب در تعارضات زناشویی برخوردار می‌شوند. به منظور کم کردن تعارضات زناشویی، به نظر می‌رسد یکی از عواملی که نقش مهمی در کاهش تعارضات زناشویی دارد، توانایی دیدگاه فهمی^۲ همسر است. یکی از مهمترین مفاهیمی که بر سلامت جسمی و روانی زوجین در خانواده تاثیر دارد، دیدگاه فهمی می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که دیدگاه فهمی همسران در مورد روابط زناشویی و تعارضات زناشویی بسیار مهم است. دیدگاه فهمی همسران شامل نگرش‌های، باورها، انتظارات و ادراکات آنها در مورد رابطه زناشویی است. این دیدگاه فهمی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم روی تعارضات زناشویی تاثیر بگذارد. این مفهوم ابتدا توسط لانگ^۳ (۱۹۹۰) مطرح شد و دلالت بر یک فرایند شناختی فعال دارد که در آن افراد بر دیدگاه خودمحور خود غلبه کرده و محیط پیرامون را به شکلی که برای دیگران پدیدار می‌شود، تصور می‌نمایند (تیلور و همکاران^۴، ۲۰۲۰). با در نظر گرفتن دیدگاه فهمی نسبت به فرد مهم زندگی، طرحواره رابطه ای فرد به گونه ای فعال و تقویت می‌شود که پیامد آن لذت بردن افراد از رابطه با یکدیگر است (بورسما و همکاران^۵، ۲۰۱۹). دیدگاه فهمی یکی از جنبه‌های روانی همدلی می‌باشد و همدلی بدین معنی است که فرد بتواند بدون آنکه در شرایط طرف مقابل قرار گرفته باشد، خودش را در جای او بگذارد و از نگاه او مسئله را ببیند و درک کند. در چهارچوب فضای خانوادگی نیز منظور از دیدگاه فهمی همسر این است که در هر شرایطی فرد خودش را جای همسرش بگذارد و از دیدگاه او، در مورد خودش قضاوت کند (خجسته مهر، روشن‌روان و عباس‌پور، ۱۳۹۶). همدلی مفهومی چندبعدی است و در مورد دو بعد همدلی شناختی و همدلی عاطفی توافق نسبی وجود دارد. منظور از همدلی شناختی، درک حالت‌های ذهنی دیگران است و بر نقش‌پذیری یا پذیرش دیدگاه در تعاملات اجتماعی متکی است (سیگلمن و رایدنر^۶، ۲۰۱۸) و منظور از همدلی عاطفی، پاسخ‌های فرد در مقابل حالت‌های عاطفی دیگران می‌باشد و گرایش به مشارکت فرد در پاسخ عاطفی با طرف مقابل دارد (کاف و همکاران^۷، ۲۰۱۶). مطالعات نشان داد که همدلی از طریق آگاهی از احساسات فرد دیگر و سهیم شدن در حالات هیجانی او، زمینه‌ی بهبود روابط بین فردی، به ویژه تعاملات مثبت خانوادگی را فراهم می‌سازد (کریستوفانی و همکاران^۸، ۲۰۲۰) و دیدگاه فهمی نقش مهمی در بهبود روابط بین فردی ایفا کند، به گونه ای که در رفتارهای خصومت‌آمیز، با کاهش قضاوت و تعصب، در حل تعارضات مؤثر است و در مقابل، تمایل به کمک، نگرش‌های مثبت و نگرانی همدلانه را ارتقا می‌دهد (کانتاردی و همکاران^۹، ۲۰۱۶). جیمسون، هال و فینچام^{۱۰} (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین دیدگاه فهمی همسران و تعارضات زناشویی پرداخته اند. نتایج آنان نشان داد که دیدگاه فهمی همسران با تعارضات زناشویی در رابطه بوده و دیدگاه فهمی همسران با افزایش تعارضات زناشویی ارتباط مثبت دارد.

عامل دیگری که می‌تواند در تعارض زناشویی تاثیر بگذارد باورهای ارتباطی است. رابطه بین باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی یک موضوع مهم در روان‌شناسی است. باورهای ارتباطی شامل نگرش‌ها، اعتقادات و انتظارات در مورد روابط انسانی، از جمله روابط زناشویی هستند. این باورها می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تعارضات زناشویی تاثیر بگذارند (کادلی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۰) در مطالعه خود نشان دادند که افراد با باورهای ارتباطی کارآمد، بر این باورند که شرایط موجود در ازدواج‌ها می‌توانند تغییر کنند، بنابراین رفتارهایی انجام می‌دهند که کیفیت رابطه را بهبود بخشند. در مقابل افراد با باورهای ارتباطی ناکارآمد، توانایی رویارویی با چالش‌های موجود در روابطشان ندارند. ایدلسون و اپشتن در مطالعه خود پنج باور ارتباطی غیرمنطقی که در

1. Chen, Chen & Bonanno
2. Perspective Taking
3. Long
4. Taylor et al.
5. Boersma et al.
6. Sigelman & Rider
7. Cuff, Brown, Taylor & Howat
8. Cristofani et al.
9. Contardi et al.
10. Jameson, Hall, & Fincham
11. Cadely et al.

روابط زناشویی نقش دارند، مطرح می کنند که شامل: توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر، تخریب کنندگی مخالفت، کمال گرایی جنسی و باور به تفاوت جنسیتی می باشند. (فرهنگی، ۱۴۰۰) که می توانند موجب ایجاد تعارضات زناشویی شوند. از نگاه هراتیان و همکاران (۱۳۹۹) اکثر تعارضات بین فردی از جمله تعارضات زناشویی، با باورهای غیرمنطقی فرد در ارتباط است. ایس^۱ (۱۹۸۸) نیز معتقد است باورهای ارتباطی غیر منطقی و منفی، مانع سلامت فکر و روان و سالم سازی محیط بین فردی می شوند و بر الزام، اجبار و اجحاف تأکید دارند (به نقل از شیر، رسولی و حجت خواه، ۱۳۹۸). تحقیق انجام شده توسط آموس آل سوپ و برمنر^۲ (۲۰۱۸) بر روی ۲۱۱ زوج نشان داد که باورهای ارتباطی، از جمله باورهای مثبت و منفی با تعارضات زناشویی ارتباط مثبت دارد. در تحقیق توماس فلچر و لانگ^۳ (۲۰۱۶) بر روی ۱۱۸ زوج نشان داد که باورهای منفی درباره روابط، از جمله باورهایی در مورد عدم قابلیت اعتماد به همسر و عدم توانایی در حل مشکلات، با تعارضات زناشویی ارتباط مثبت دارد. به طور کلی، تحقیقات نشان می دهند که باورهای ارتباطی می توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تعارضات زناشویی تأثیر بگذارند. باورهایی مثل باورهای مثبت درباره روابط، اعتماد به همسر و توانایی در حل مشکلات، می توانند به کاهش تعارضات زناشویی کمک کنند. بنابراین، آموزش و توجه به باورهای ارتباطی سالم در روابط زناشویی می تواند به بهبود کیفیت این روابط کمک کند. پژوهش ایمانی کیا، زنگنه مطلق و بیات (۲۰۲۲) حاکی از این بود که در بین زوجین متعارض، رویکرد مبتنی بر پذیرش و تعهد، بر میزان دیدگاه فهمی همسر تأثیر دارد. عدم توافق زوجین در مورد اکثر موارد مطرح در زندگی زناشویی همانند روابط با اطرافیان، مسائل جنسی، تربیت فرزند، مسائل اقتصادی و ... در بالا بردن تعارضات زناشویی نقش دارند، بدین صورت که این فرایند به مرور زمان از بین نرفته و آثار هیجانی منفی در سلامت روان شناختی بر جای می نهند (عقیفی و همکاران^۴، ۲۰۱۹) و این امر نیاز به خود تنظیمی رفتار را در بین همسران را ایجاد می کند. خودتنظیمی زناشویی در حیطه نظریه خودمختاری در روابط زناشویی جای دارد (راکهام و لارسون^۵، ۲۰۲۰) و به عنوان یک سازه فردگرایانه در نظم بخشیدن به رفتار خود، عنوان می شود (چلادورای، دولاهیت و مارکس^۶، ۲۰۲۰) بنابراین می توان آن را در بافت اجتماعی و روابط بین فردی نیز مفهوم سازی کرد. در روابط زناشویی اهمیت این سازه در تاکید آن بر اصلاح الگوهای ارتباطی خود، به جای فشار و سرزنش همسر به منظور تغییر رفتارهای ارتباطی می باشد و در الگوهای آموزشی برای افزایش رضایت زناشویی و یا کاهش تعارضات زناشویی، کاربرد ویژه ای دارد. یکی از نظریه های مهم در روانشناسی نظریه خودتنظیمی است بر اساس این نظریه، خودتنظیمی یعنی توانایی ما در تنظیم و کنترل رفتارها، افکار و احساسات خودمان. این توانایی می تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روابط زناشویی تأثیر بگذارد. تحقیقات نشان داده اند که خودتنظیمی با تعارضات زناشویی مرتبط است. تحقیق انجام شده توسط نوفزیر، کوپه و دزمیریس^۷ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین خودتنظیمی و تعارضات زناشویی پرداخته است. در این تحقیق، ۱۵۰ زوج شرکت کردند نتایج نشان داد که خودتنظیمی مثبت با تعارضات زناشویی مرتبط بود و خودتنظیمی منفی با تعارضات زناشویی مرتبط نبود. بنابراین، افزایش خودتنظیمی می تواند به کاهش تعارضات زناشویی کمک کند. خودتنظیمی می تواند به بهبود روابط زناشویی کمک کند. پژوهش ها حاکی از این بودند که، زنان به علت مسئولیت پذیری بیشتر برای حفظ و بازبینی روابط زناشویی، از نظر خودتنظیمی، تأثیر بیشتری بر بهبود کیفیت روابط زناشویی دارند (راکهام و لارسون، ۲۰۲۰) و در کاهش تعارضات موثرند. (عیسی نژاد، علیپور و کلهر، ۲۰۱۸) نیز نشان دادند کنشگر بودن همسران در تغییر مثبت باورها مؤثر است. واندر استوو و همکاران^۸ (۲۰۱۸) هم نشان دادند که کنترل هیجانات می تواند در کاهش تعارضات موثر باشد. غفوریان محبی، کربلایی و میگوئی (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود بیان کردند که خودتنظیمی بر کاهش تعارضات نقش دارد. امروزه به دلایل متعددی چون گذر از جامعه سنتی به مدرنیته، تغییر در نظام خانواده ها به ویژه در اثر فشارهای

1. Ellis

2. Amos, Allsop & Bremner

3. Thomas, Fletcher & Lange,

4. Afifi et al.

5. Rackham & Larson

6. Chelladurai, Dollahite & Marks

7. Nofziger, Cope & Desmarais

8. Vander Stouwe et al.

اقتصادی و همچنین اضافه شدن نقش اشتغال به نقش‌های سنتی زنان، مشکلات و تعارضات زناشویی افزایش چشمگیری یافته است. این عوامل می‌تواند در فرآیند اجتماعی شدن، عملکرد فعال خانواده، شرکت در فعالیت‌های شغلی و اجتماعی زنان مشکل ایجاد کند. شواهد فراوانی مانند افزایش تعداد زنانی که به منظور کاهش تعارضات زناشویی به مراکز مشاوره و روان درمانی مراجعه می‌کنند، گویای آن است که زوج‌ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و دوستانه به مشکلات شدید و فراگیری دچارند. لذا به نظر می‌رسد دیدگاه فهمی همسر بتواند با واسطه‌گری خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی ملاک خوبی در پایین آوردن سطح تعارضات زناشویی باشد. اشاره‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهد مسائلی از این دست در خانواده‌ها وجود دارد که نیاز است در مورد آنها تحقیقاتی صورت بگیرد. با توجه به اهمیت موضوع، و نظر به کشف و تبیین پویایی‌های روابط زناشویی و متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، میتوان گفت کاهش تعارضات زناشویی هم برای زوج‌ها و هم برای جامعه حائز اهمیت است. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر تعیین میزان نقش واسطه‌ای باورهای ارتباطی و خودتنظیمی زناشویی در ارتباط بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات زناشویی می‌باشد، سوالی که مطرح شده این است که آیا دیدگاه فهمی همسر با واسطه‌گری باورهای ارتباطی و خودتنظیمی زناشویی می‌تواند در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر بوشهر نقش داشته باشد؟

۲. روش

۲-۱. جامعه آماری، نمونه و روش اجرا

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع مطالعات همبستگی است. جهت تبیین فرضیه‌ها و تعیین چگونگی ارتباط بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده شد، به منظور اجرای پژوهش پس از مطالعات مربوط به متغیرهای تأثیر گذار بر تعارضات زناشویی مدل مفروض تدوین و مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش ۴۸۷ نفر از زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر بوشهر نفر بودند حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۱۵ نفر برآورد گردید. بنابر نظر طبق نظر کلاین^۱ (۲۰۱۳) حجم نمونه معمولی در مطالعاتی که از معادلات ساختاری استفاده می‌شود حدود ۲۰۰ مورد است. همچنین حجم نمونه مطابق با ملاک بارتلت، کوترلیک و هیگینز^۲ (۲۰۰۱) تقریباً پانزده برابر تعداد خرده‌مقیاس‌های ابزارهای مورد استفاده است. با توجه به تعداد متغیرهای مورد مطالعه، برای اطمینان بیشتر ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی ۲۵۰ نفر انتخاب شدند. شیوه اجرا به این صورت بود که پژوهشگر با مراجعه به مراکز مشاوره شهر بوشهر پرسشنامه‌های تحقیق را پس از کسب اجازه در اختیار تعداد ۲۵۰ نفر از زنان متأهل دارای شرایط ورود به مطالعه قرار داد و پس از پاسخگویی پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک ورود افراد به مطالعه متأهل بودن، داشتن سن بیشتر از ۱۵ سال و مراجعه به منظور تعارضات زناشویی بود. رضایت زنان برای شرکت در پژوهش کسب شد و شرکت‌کنندگان در جریان کامل انجام پژوهش قرار گرفتند. همچنین به آنان اطمینان داده شد که پاسخ‌های محرمانه باقی خواهد ماند و نتایج پژوهش به صورت بی‌نام منتشر خواهد شد.

۲-۲. ابزارها

۲-۲-۱. پرسشنامه تعارضات زناشویی^۳ (MCQ)

برای اندازه‌گیری تعارضات زناشویی از پرسشنامه‌ی ساخته ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۵۴ سوال و ۸ خرده‌مقیاس (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و «کاهش ارتباط موثر») است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش نموده‌اند. روایی همگرایی^۴ این پرسشنامه با پرسشنامه تمایزیافتگی^۵

1. Kline
2. Bartlett, Kotrlik, & Higgins
3. Marital Conflict Questionnaire
4. Convergent Validity
5. Differentiation of Self Inventory (DSI)

اسکورن و اشمیت^۱ (۲۰۰۳) $r = -0/43$ و رضایت زناشویی انریچ^۲ ساخته السون، فورنیر و دراکن^۳ (۱۹۸۷) $r = -0/56$ گزارش نموده‌اند (کاظمیان، مهرابی زاده، هنرمند، کیامنش و حسینیان، ۱۳۹۷). در تحقیق حاضر پایایی سازه‌ای^۴ برای متغیر پنهان تعارضات زناشویی برابر با ۰/۸۸ محاسبه گردید، در صورتیکه مقدار برای یک سازه بالای ۰/۷۰ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد (پهلون شریف و مهدویان، ۱۳۹۶). همچنین آلفای کرونباخ برای تعارضات زناشویی ۰/۹۲ بود و برای مولفه‌های آن در دامنه ۰/۵۱ تا ۰/۸۶ بدست آمد. بنابر نتایج بدست آمده از این پژوهش مقدار میانگین واریانس استخراج شده برابر با ۰/۴۷ بود با توجه به برقراری شروط روایی همگرایی برای سازه تعارضات زناشویی یعنی معنی دار بودن بارهای عاملی، بزرگتر بودن بارهای عاملی از ۰/۵، بزرگتر بودن پایایی سازه‌ای از میانگین واریانس استخراج شده روایی همگرایی برای سازه تعارضات زناشویی قابل قبول بود.

۲-۲-۲. پرسشنامه خود تنظیمی رفتاری^۵ (BSR)

پرسشنامه خود تنظیمی رفتاری برای روابط کار آمد در زوج‌ها توسط ویلسون و همکاران^۶ (۲۰۰۵) ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۱۶ سؤال که دو مؤلفه «خودتنظیمی ارتباطی^۷ با سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰» و «تکاپوی ارتباطی^۸ با سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶» را اندازه‌گیری می‌کند این پرسشنامه در یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کلمات درست تا کاملاً غلط نمره‌گذاری می‌گردد. ویلسون و همکاران (۲۰۰۵) بر اساس تحلیل عاملی مقیاس در یک نمونه شامل ۱۸۷ زوج تازه‌عروس نشان داد که این مقیاس از دو عامل استراتژی‌های رابطه و تلاش تشکیل شده است. ساختار عاملی در یک نمونه مستقل شامل ۹۷ زوج تازه‌عروس تکرار شد. در هر دو نمونه، مقیاس دارای سازگاری داخلی خوب و اعتبار همپوشانی بالا بین فرم‌های خود-گزارش و گزارش شریک بود. آلفای کرونباخ برای عامل خود تنظیمی ارتباطی ۰/۷۳ و برای عامل تکاپوی ارتباطی ۰/۷۲ و همبستگی مثبت و معنی دار میان ابعاد خود تنظیمی رفتاری با ابعاد پرسشنامه سازش یافتگی زوجی^۹ گزارش نمودند (عیسی نژاد، علیپور و کلهری، ۱۳۹۶). در تحقیق حاضر پایایی سازه‌ای برای پرسشنامه خودتنظیمی رفتاری برابر با ۰/۸۶ محاسبه گردید همچنین آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۷ محاسبه گردید که در سطح قابل قبولی بود. به منظور بررسی روایی پرسشنامه در این پژوهش روایی سازه‌ای محاسبه گردید بنابر نتایج بدست آمده برابر با ۰/۴۱ بود. بنابراین شرط معنی دار بودن بارهای عاملی، بزرگتر بودن بارهای عاملی از ۰/۵، بزرگتر بودن پایایی سازه‌ای از میانگین واریانس استخراج شده برقرار بود ولی شرط بزرگتر بودن میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ برقرار نبود.

۲-۲-۳. پرسشنامه باورهای ارتباطی^{۱۰} (RBI)

این پرسشنامه اولین بار توسط اپستین و ایدلسون^{۱۱} در سال ۱۹۸۱ ساخته شد. هر سؤال در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم = ۱، کاملاً مخالفم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از: باور به مخرب بودن مخالفت^{۱۲}، باور ذهن خوانی^{۱۳}، باور به عدم تغییرپذیری همسر^{۱۴}، کمال‌گرایی جنسی^{۱۵}، باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی^{۱۶}. شیوه نمره‌گذاری

1. Scorn & Smither
2. Enrich Marital Satisfaction
3. Alson, Fournier & Druckman
4. Construct Reliability (CR)
5. Behavioral Self-Regulation Questionnaire
6. Wilson et al.
7. Self-Regulation of Communication
8. Communication Vigilance
9. Couples' Adaptability Scale
10. Relationship Belief Inventory (RBI)
11. Epstien & Edelson
12. Belief in the Destructive Nature of Conflict
13. Mindreading Belief
14. Belief in a Partner's Unalterable Traits
15. Sexual Perfectionism Belief
16. Belief Regarding Sex Differences

در مورد سوالات ۱، ۶، ۱۱، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳، ۸، ۲۳، ۳۸، ۴، ۱۴، ۱۹، ۳۹، ۱۰، ۱۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰ معکوس شده و به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند که در یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شود. پایایی این آزمون با آلفای کرونباخ برای خرده مقیاسها از دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ بود. و هر ۵ خرده مقیاس رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند (اپستین و ایدلسون، ۱۹۸۱). شهرستانی، دوستکام، رهبازدار و مشهدی (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ ۰/۷۵ را برای این مقیاس گزارش کرده اند. در تحقیق حاضر پایایی سازه ای^۱ برای متغیر باورهای ارتباطی محاسبه گردید، مقدار پایایی سازه‌ای برابر با ۰/۷۱ است پایایی سازه‌ای باورهای ارتباطی محدوده قابل قبولی است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌ها بین ۰/۶۶ تا ۰/۷۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ محاسبه گردید. روایی سازه‌ای در این تحقیق نیز محاسبه گردید با توجه به نتایج بدست آمده میانگین واریانس استخراج شده برابر با ۰/۵۶ بود که شروط معنی دار بودن بارهای عاملی، بزرگتر بودن بارهای عاملی از ۰/۵، و بزرگتر بودن پایایی سازه‌ای از میانگین واریانس استخراج شده بر قرار بود ولی شرط بزرگتر بودن میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ برای سازه باورهای ارتباطی برقرار بود.

۲-۲-۴. پرسشنامه دیدگاه فهمی همسر^۲ (ODPT)

مقیاس دیدگاهفهمی همسر لانگ^۳ (۱۹۹۰) یک ابزار ۲۰ ماده ای است که ادراک افراد تکمیل کننده مقیاس از میزان دیدگاه فهمی همسرشان را در یک طیف ۵ درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) می‌سنجد. این مقیاس نیز دارای دو زیرمقیاس شناخت و راهبرد است. لانگ (۱۹۹۰) روایی و پایایی این دو مقیاس را روی نمونه‌های ۹۱۱ نفری که درگیر روابط عاشقانه بودند مورد بررسی قرارداد. در پژوهش لانگ (۱۹۹۰) پایایی از طریق آلفای کرونباخ برای مقیاس دیدگاه فهمی همسر ۰/۹۴ بود. ضریب همبستگی بین ماده های این مقیاس ها با نمره های کل آنها در دامنه ای بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش شد. در پژوهش خجسته‌مهر، روشن روان و عباس‌پو (۱۳۹۶) برای بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم فارسی این مقیاس ها در نمونه ای از جمعیت معلمان متأهل (n=۱۰۰: ۵۰ زن و ۵۰ مرد)، ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مقیاس دیدگاه فهمی خود (SDPT)^۴ و مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT) به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد و محاسبه ی روایی سازه از طریق همبسته کردن مقیاس دیدگاه فهمی خود (SDPT) و دیدگاه فهمی همسر (ODPT) با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۵ به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۶ (همگی در سطح معنی داری ۰/۰۱ < p) به دست آمد. در تحقیق حاضر پایایی سازه ای برای متغیر دیدگاه فهمی همسر محاسبه گردید، مقدار پایایی سازه‌ای برابر با ۰/۸۷ است بنابراین پایایی سازه‌ای دیدگاه فهمی همسر در محدوده قابل قبولی است. مقدار میانگین واریانس استخراج شده برابر با ۰/۵۲ محاسبه گردید. به منظور بررسی روایی پرسشنامه دیدگاه فهمی همسر روایی همگرایی نیز بررسی گردید. با توجه به برقراری شرط معنی دار بودن بارهای عاملی، بزرگتر بودن بارهای عاملی از ۰/۵ بزرگتر بودن پایایی سازه‌ای از میانگین واریانس استخراج شده، بزرگتر بودن میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ برای سازه دیدگاه فهمی همسر برقرار بود. این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۹ محاسبه گردید.

۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش توصیفی شمال فراوانی و درصد فراوانی، چولگی، کشیدگی و در بخش استنباطی از تحلیل مسیر استفاده شد به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و Amos ویرایش ۲۱ استفاده گردید.

۳. یافته ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

1. Construct Reliability (CR)
2. Other Dyadic Perspective –Taking (ODPT)
3. Long
4. Self Dyadic Perspective –Taking (SDPT)
5. ENRICH

نتایج جمعیت شناختی نشان داد از ۲۵۰ نفر شرکت کننده در این مطالعه ۳۱/۲ درصد دارای سن بین ۲۹-۲۰ سال، ۴۱/۶ درصد سن ۳۹-۳۰ سال، ۲۱/۶ درصد سن ۴۹-۴۰ سال، ۳/۲ درصد سن ۵۹-۵۰ سال و ۲/۴ درصد ۶۰ سال و بالاتر بوده‌اند، توزیع نمونه بر حسب سن همسر حاکی از اینست که ۱۲/۴ درصد از همسران پاسخگویان دارای سن بین ۲۹-۲۰ سال، ۴۹/۲ درصد سن ۳۹-۳۰ سال، ۲۰/۴ درصد سن ۴۹-۴۰ سال، ۱۳/۲ درصد سن ۵۹-۵۰ سال و ۴/۸ درصد ۶۰ سال و بالاتر بوده‌اند، بر حسب تحصیلات پاسخگویان ۱۳/۶ درصد زیر دیپلم، ۳۸/۸ درصد دیپلم، ۶ درصد فوق دیپلم، ۳۴/۴ درصد لیسانس، ۶ درصد فوق لیسانس و ۱/۲ درصد دکتری بوده‌اند.

۳-۲. آزمون‌های نرمال

این پژوهش شامل متغیرهای آشکار دیدگاه فهمی همسر، خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی و یک مدل اندازه گیری تعارضات زناشویی شامل هشت متغیر آشکار و یک متغیر پنهان تعارضات زناشویی) بود. به منظور بررسی مدل پژوهش ابتدا فرض نرمال بودن داده‌ها بررسی گردید بدین منظور چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش محاسبه گردید. نتایج نشان داد که در مؤلفه‌های تعارضات زناشویی مقدار چولگی در مؤلفه کاهش همکاری (-۱/۱۰) و کشیدگی (-۰/۵۵)، در مؤلفه کاهش رابطه جنسی (-۰/۲۲) و کشیدگی (-۱/۱۱) در مؤلفه افزایش واکنش‌های هیجانی چولگی (۰/۲۹) و کشیدگی (-۰/۹۵)، در مؤلفه جلب حمایت فرزندان چولگی (۰/۲۹) و کشیدگی (-۰/۸۵)، در مؤلفه افزایش رابطه فردی با خویشاوندان چولگی (۰/۲۱) و کشیدگی (-۰/۹۳)، در مؤلفه کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان چولگی (۰/۳۲) و کشیدگی (-۰/۳۳)، در مؤلفه جدا کردن امور مالی از یکدیگر چولگی (-۰/۱۱) و کشیدگی (-۰/۲۰) در مؤلفه کاهش ارتباط مؤثر چولگی (-۰/۰۶) و کشیدگی (-۰/۲۸)، در متغیر دیدگاه فهمی همسر چولگی (-۰/۵۸) و کشیدگی (-۰/۵۷)، در متغیر باورهای ارتباطی چولگی (۰/۸۵) و کشیدگی (۰/۵۳) و در متغیر خودتنظیمی زناشویی چولگی (-۰/۱۰) و کشیدگی (-۰/۱۰) بود که حاکی از توزیع نرمال داده‌ها بود. همچنین آماره ماردیا^۱ برابر با ۰/۴۰ و نسبت بحرانی^۲ ۰/۱۰ نشان داد که فرض نرمال بودن چند متغیره برقرار است. نتایج آزمون کالوموگروف-اسمیرنوف^۳ نیز نشان داد که در متغیر دیدگاه فهمی همسر، باورهای ارتباطی، خودتنظیمی زناشویی و تعارضات زناشویی $P > ۰/۰۵$ بود که حاکی از نرمال بودن داده‌ها بود. به منظور بررسی هم خطی متغیرها از شاخص تحمل^۴ و همچنین فاکتورهای افزایش واریانس^۵ استفاده شد شاخص تحمل همه متغیرهای پیش بین از ۰/۰۱ فاصله زیادی دارنده که نشان می‌دهد مشکل هم خطی چندگانه^۶ وجود ندارد.

۳-۳. بررسی مدل اندازه‌گیری

جدول (۱) بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری تعارضات زناشویی

P	C.R.	S.E.	λ	B	
-	-	-	۰/۷۰	۱/۰۰	کاهش همکاری
۰/۰۰۱	۶/۰۶	۰/۱۸	۰/۸۱	۱/۰۷	کاهش رابطه جنسی
۰/۰۰۱	۷/۰۰	۰/۳۵	۰/۸۶	۲/۴۵	افزایش واکنش‌های هیجانی
۰/۰۰۱	۳/۲۳	۰/۱۸	۰/۴۱	۰/۵۹	افزایش جلب حمایت فرزندان
۰/۰۰۱	۸/۳۰	۰/۲۰	۰/۸۲	۱/۶۷	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود
۰/۰۰۱	۸/۶۹	۰/۱۸	۰/۸۱	۱/۵۶	کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان
۰/۰۰۱	۵/۵۱	۰/۲۱	۰/۶۴	۱/۱۷	جدا کردن امور مالی از یکدیگر
۰/۰۰۱	۴/۳۰	۰/۴۷	۰/۵۶	۲/۰۱	کاهش ارتباط مؤثر

۱. Mardia

۲. Critical ratio

۳. Kolmogorov-Smirnov

۴. Tolerance index

۵. Variance inflation factors

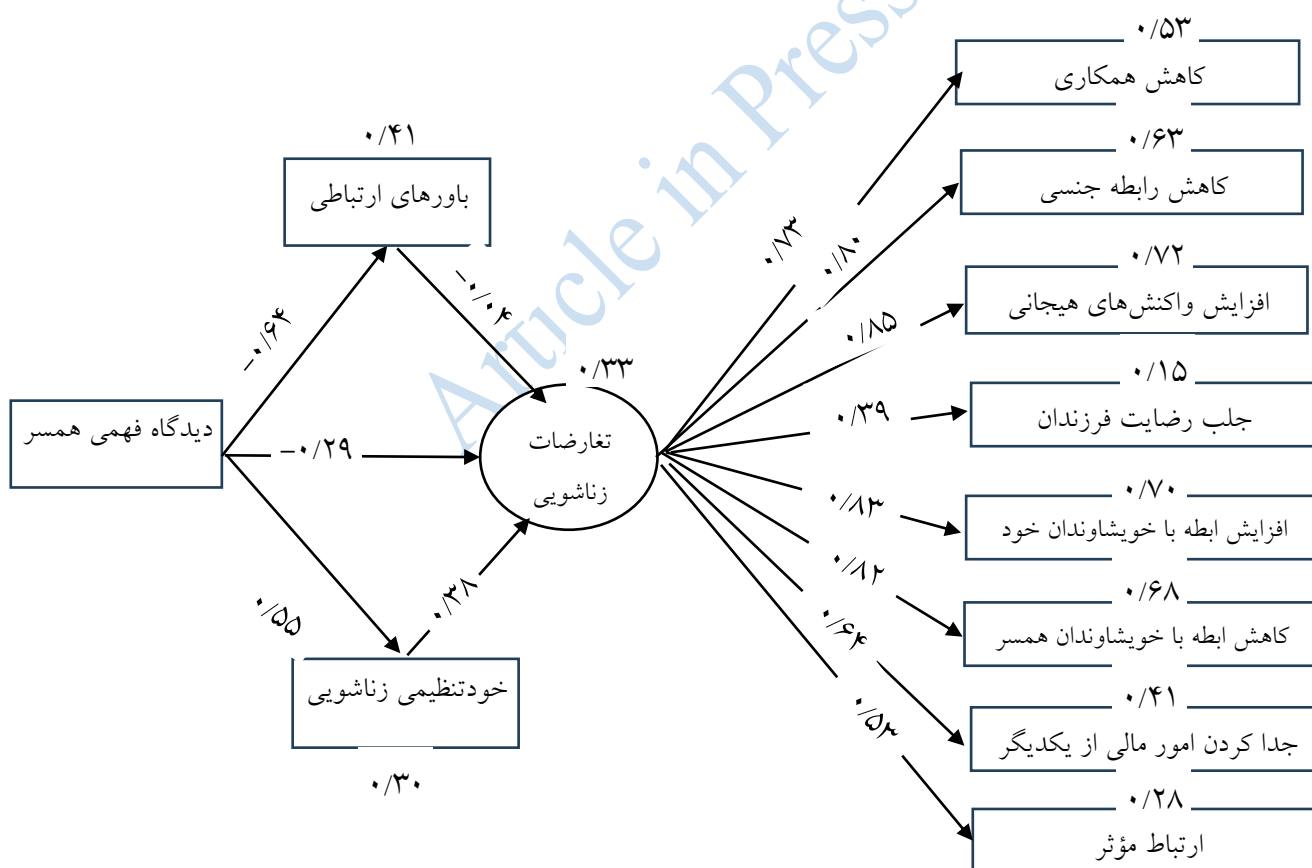
۶ - Multiple Linear Regression

در جدول (۱) ضرایب مدل اندازه گیری نشان داده شده است. با توجه به نتایج بار عاملی برای مؤلفه کاهش همکاری ۰/۷۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۸۱، افزایش واکنش های هیجانی ۰/۸۶، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۴۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۲، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۴ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۵۶ بود که تمام بارهای عاملی در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار بودن.

جدول (۲) شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص	χ^2	df	p	df/x2	GFI	CFI	RMSEA
مقدار محاسبه شده	۵۹/۴۵	۴۱	۰/۰۲۵	۱/۴۵	۰/۹۲	۰/۹۸	۰/۰۶۷
مقادیر قابل قبول	-	-	$\leq ۰/۰۵$	≤ ۳	$\geq ۰/۹۰$	$\geq ۰/۹۰$	$\leq ۰/۰۸$

همانگونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می گردد شاخص های برازش مدل مفروض در سطح قابل قبول بود که برازش مدل تأیید می گردد.



شکل (۱) مدل رابطه بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات زناشویی

جدول (۳) اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل در مدل مفروض

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	مسیرهای ساختاری
-۰/۶۴**	-	-۰/۶۴**	دیدگاه فهمی همسر ← باورهای ارتباطی
۰/۵۵**	-	۰/۵۵**	دیدگاه فهمی همسر ← خودتنظیمی زناشویی
-۰/۴۷**	-۰/۱۸*	-۰/۲۹**	دیدگاه فهمی همسر ← تعارضات زناشویی
-۰/۰۴	-	-۰/۰۴	باورهای ارتباطی ← تعارضات زناشویی
-۰/۳۸**	-	-۰/۳۸**	خودتنظیمی زناشویی ← تعارضات زناشویی

$P < ۰/۰۱$ ** $P < ۰/۰۵$ *

بر اساس جدول شماره (۳) و شکل (۱) اثر کل مسیر دیدگاه فهمی همسر بر باورهای ارتباطی دارای اثر منفی معنی دار بود ($P < ۰/۰۰۱$ و $\beta = -۰/۶۴$)، اثر کل مسیر دیدگاه فهمی همسر بر خودتنظیمی زناشویی معنی دار بود ($P = ۰/۰۰۱$ و $\beta = ۰/۵۵$)، اثر کل مسیر دیدگاه فهمی همسر بر تعارضات زناشویی دارای اثر منفی معنی دار بود ($P < ۰/۰۰۱$ و $\beta = -۰/۲۹$)، اثر کل مسیر باورهای ارتباطی بر تعارضات زناشویی معنی دار نبود ($P = ۰/۷۱$ و $\beta = -۰/۰۴$)، اثر کل مسیر خودتنظیمی زناشویی بر تعارضات زناشویی معنی دار بود ($P = ۰/۰۰۱$ و $\beta = -۰/۳۸$)، مقدار R^2 نشان می دهد که ۳۳ درصد واریانس تعارضات زناشویی توسط دیدگاه فهمی همسر با واسطه گری خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی قابل تبیین است. همچنین اثر غیر مستقیم دیدگاه فهمی همسر بر تعارضات زناشویی معنی دار بود ($P = ۰/۰۵$ و $\beta = -۰/۱۸$)،. برای آزمون میانجی از روش بوت استرپینگ^۱ نرم افزار اموس استفاده شد. تعداد نمونه برای اجرای بوت استراپ ۲۰۰۰ در نظر گرفته شد.

جدول (۴) بررسی نتایج میانجی گری خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی بر تعارضات زناشویی

نتایج	ضریب رگرسیونی با اثر میانجی c'	اثر غیر مستقیم (ab)	اثر کامل (c)	متغیر مستقل
میانجی گری جزئی	-۰/۰۷۳* ($P = ۰/۰۲$)	-۰/۰۸** ($P = ۰/۰۰۱$)	-۰/۱۲** ($P = ۰/۰۰۱$)	دیدگاه فهمی همسر

متغیر وابسته ملاک: تعارضات زناشویی

متغیر میانجی: خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی

** معنی داری با ۹۹٪ اطمینان * معنی داری با ۹۵٪ اطمینان

با توجه به نتایج جدول شماره (۴) ضریب رگرسیونی برای دیدگاه فهمی همسر معنی دار است طبق نمودار تصمیم گیری روش بوت استریپینگ امکان تحلیل میانجیگری برای متغیر دیدگاه فهمی همسر وجود دارد. بر اساس نتایج جدول فوق در رابطه بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات زناشویی میانجی گری جزئی برقرار بود.

۴. بحث و نتیجه گیری

یافته ها بیانگر این است که ارتباط بین دیدگاه فهمی همسر با میانجیگری خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی، نقش بسیار مهمی در میزان تعارضات زناشویی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات (کریبت، اسمیت، اکینو، بوکام و نیلی مور، ۲۰۲۰)؛ (ژائو و بوهلر، ۲۰۱۹) و (نئومن، واگنر و رمور، ۲۰۱۸)؛ در حوزه تعارضات زناشویی همخوانی دارد. همچنین این یافته با نتایج تحقیقات (کادلی، فینگان، اسپیز و کرپلمن، ۲۰۲۰)؛ (بیداری، امیرفخرایی و اقبال، ۲۰۲۲)؛ (عفیفی، گرنجر، ارسینگ، تسالیکیان، شهنازی، دیویس، اسکرانتون، ۲۰۱۹)؛ در حوزه باورهای ارتباطی همخوانی دارد. با نتایج تحقیقات (بورسما و همکاران، ۲۰۱۹)؛ (کانتاردی و همکاران، ۲۰۱۶)؛ (کریستوفانی و همکاران، ۲۰۲۰) در حوزه دیدگاه فهمی همسر و با نتایج تحقیقات (راکهام و لارسون، ۲۰۲۰)؛ (عیسی نژاد، علیپور و کلهر، ۲۰۱۸)؛ (غفوریان محبی، کربلایی و میگونی، ۲۰۲۰) در حوزه خودتنظیمی زناشویی همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می توان گفت بر اساس نظریه پردازش اطلاعات، مشکلات رابطه بیشتر به دلیل ناتوانی در پردازش اطلاعات در مورد روابط، تفاوت ها در دیدگاه فهمی و عدم توانایی در حل مسائل است (باسی، کریستنسن، کران و لارسون ۱۹۹۵) در طول یک رابطه زناشویی، همسران با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و برای حل مسائل و تعامل با یکدیگر، باید اطلاعات را دریافت، پردازش و تفسیر کنند. باورها، نگرش ها و انتظارات همسران تأثیر بسزایی در پردازش اطلاعات و تفسیر آنها دارند. بنابراین، دیدگاه فهمی همسران می تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تعارضات زناشویی تأثیر بگذارد. برای مثال، همسرانی که دیدگاه فهمی مثبتی درباره رابطه زناشویی دارند، معمولاً به سمت حل مشکلات و بهبود رابطه متمایل هستند. این باور مثبت می تواند باعث ایجاد روابط سالم و خوشبخت کننده شود. از طرف دیگر، همسرانی که دیدگاه فهمی منفی درباره رابطه زناشویی دارند، معمولاً به سمت ایجاد تعارض و رفتارهای منفی در رابطه متمایل هستند. این باورهای منفی می توانند باعث ایجاد تعارضات زناشویی و استرس در رابطه شوند (جیمسون، هال و فینچام، ۲۰۱۵). دیدگاه فهمی همسران در مورد مسائل مختلف زندگی، شامل مسائل مربوط به زندگی خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی، می تواند تفاوت باشد و در نتیجه به وجود تعارضات زناشویی منجر شود. در بسیاری از موارد، تعارضات زناشویی ناشی از تفاوت دیدگاه همسران درباره مسائل مختلف است. تفاوت دیدگاه می تواند منجر به تنش ها و تعارضات در خانواده شود. همچنین، در مورد مسائل جنسی، همسران می توانند دیدگاه های متفاوتی داشته باشند. این مسئله می تواند منجر به تعارضات جنسی و نارضایتی های جنسی شود. همچنین، تفاوت در دیدگاه های همسران درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی می تواند نیز منجر به تعارضات در خانواده شود. در نتیجه، دیدگاه فهمی همسران به عنوان یکی از عوامل موثر در تعارضات زناشویی بسیار حائز اهمیت است. برای رفع تعارضات زناشویی، همسران باید به یکدیگر احترام بگذارند و تلاش کنند تا به دیدگاه های یکدیگر بیشتر شناخت پیدا کنند. ساختار خانواده متعادل بر پایه روابط زناشویی صمیمی استوار است. از نشانه های دل بستگی ایمن در همسران پایدار بودن روابط، قابل اعتماد بودن، خودباوری، سهولت در به اشتراک گذاشتن احساسات با همسر می باشد. این افراد به روابط دل بستگی خود، ارزش قائلند و معتقدند که دل بستگی ها و تجارب مرتبط با آنها، شخصیت آن ها را تحت تاثیر قرار داده است، لذا از روابط موزون و رضایت بخش و توأم با صمیمیت طولانی برخوردار می باشند. از طرفی می توان گفت دیدگاه فهمی همسر جنبه شناختی همدلی است و همدلی نقشی اساسی در تعهدات بین شخصی و تعاملات اجتماعی، کیفیت روابط خانوادگی، ایجاد دوستی و حفظ آن، افزایش سلامت، نועدوستی، تنظیم رفتار اجتماعی، انسجام خانوادگی، حمایت والدینی و پاسخگویی در روابط پیوندهای اجتماعی و ایجاد و حفظ روابط بین شخصی دارد. لذا می توان گفت از آنجا که دل بستگی ایمن باعث بهبود کیفیت تعامل های میان فردی و نگهداری نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی می شود، زوجینی که از دل بستگی ایمن بالا برخوردارند، دیدگاه فهمی بالایی دارند. دیدگاه فهمی همسر باعث می شود افراد احساس کنند همسرشان به آن ها نگرش توجه آمیز دارد و به گفته های آن ها اعتبار می دهد. این امر باعث افزایش احترام و ارزش دهی به همسر می شود و حس درک شدن موجب افزایش رضایت زناشویی و بهبود روابط می شود. در مقابل، عدم توافق زوجین در مورد اکثر موارد مطرح در زندگی زناشویی همانند روابط با اطرافیان، مسائل جنسی، تربیت فرزند، مسائل اقتصادی می تواند در افزایش تعارضات زناشویی

نقش داشته باشد، بدین صورت که این فرایند به مرور زمان از بین نرفته و آثار هیجانی منفی در سلامت روان شناختی بر جای نهند و این مهم نیاز به خود تنظیمی رفتار را در بین همسران را ایجاد می‌کند. بر اساس نظریه خودتنظیمی، خودتنظیمی یعنی توانایی ما در تنظیم و کنترل رفتارها، افکار و احساسات. این توانایی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روابط زناشویی تأثیر بگذارد، بنابراین خودتنظیمی زناشویی اشاره به این امر دارد که زوجین، علیرغم سختی‌های بالقوه تغییر و الگوهای رفتاری ناکارآمد پیشین، با رضایت مداوم به طور پیوسته بر روی ارتباطشان کار کنند تا یا تغییرات رفتاری جدید خود را انطباق دهند و به بازخوردهای همسر خود نیز پاسخ دهند. خودتنظیمی زناشویی، متمرکز بر برخی فرایندهای ارتباطی است که بر اصلاح الگوهای ارتباطی خود، به جای فشار و یا سرزنش همسر، جهت تغییر رفتارهای ارتباطی تأکید دارد و در نهایت به رفتارهای کارآمد همسران انجامیده و رابطه زناشویی را بهبود می‌بخشد. این بهبود از این نظر حائز اهمیت است که بر رابطه همسران تأثیر شایانی دارد و روی همه جوانب زندگی آن‌ها تأثیر مثبت گذاشته و تعارضات زناشویی را کاهش می‌دهد.

در بخش دیگر تحقیق، یافته‌ها حاکی از این بود که دیدگاه فهمی همسر می‌تواند با کمک باورهای ارتباطی به کاهش تعارضات زناشویی کمک کند. منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند. بنابراین می‌توان با ایجاد تغییرات مثبت در باورهای ارتباطی زوجین، زمینه‌های اصلی بروز تعارضات زناشویی، پیشگیری شود. داشتن سبک دلبستگی ایمن در باورهای ارتباطی همسر موثر است. منظور از ایمنی در دلبستگی، داشتن ارتباط نزدیک و پیوند صمیمی با شخص خاص در زندگی و نشان دهنده این است که فرد به دسترس‌پذیری، پاسخگو و پذیرا بودن منبع دلبستگی خود اعتماد دارد. افراد ایمن، داری احساس آرامش می‌باشند در نتیجه در روابط خود رضایت و صمیمیت را تجربه می‌کنند. آن‌ها در رابطه‌ی خود هوشیاری کاملی دارند و از عواملی که موجب به برهم زدن روابط صمیمانه‌ی آن‌ها می‌شود اجتناب می‌کنند. بر اساس نظریه دلبستگی می‌توان گفت همسرانی که سبک دلبستگی ایمن دارند، از توانایی همدلی بالایی برخوردارند. همدلی همسران با هم، نقش بسیار مهمی در ایجاد سطح بهینه‌ای از کنشگر بودن همسران در ایجاد تغییرات مثبت در باورهای ارتباطی زوجین، به سمت کاهش تعارضات زناشویی دارد. به طوری که قادر هستند در تعاملات بین فردی تنش‌زا، با استفاده از الگوهای ارتباطی مثبت و با کمک شیوه‌های حل تعارض، رفتارهای خصومت‌آمیز، پیش‌داوری و تعصب را کاهش دهند و در حل یا کاهش تعارضات مؤثر عمل کنند. این پژوهش به بررسی تعداد محدودی از متغیرهای اثر گذار بر تعارضات زناشویی پرداخته لذا برای ارزیابی تجربی آن به دلیل زمان و هزینه در جامعه محدودی مورد ارزیابی قرار گرفت. از آنجا که داده‌ها بر اساس خوداظهاری پاسخ دهندگان بود لذا نگرش و دیدگاه آنان می‌تواند در نتایج تأثیر داشته باشد. همچنین زمینه‌های تربیتی، فرایند جامعه‌پذیری، عوامل اعتقادی، اقتصادی می‌تواند در نتایج پژوهش تأثیر داشته باشد. بر اساس نتایج مدل پژوهش در رابطه بین دیدگاه فهمی همسر و تعارضات زناشویی متغیرهای خودتنظیمی زناشویی و باورهای ارتباطی میانجی‌گری کامل برقرار بود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد مشاوران خانواده، روان‌شناسان و متخصصین علوم تربیتی جهت کاهش تعارضات زناشویی تمرکزشان بر ارتقاء خودتنظیمی زناشویی زوجین و همچنین اصلاح باورهای ارتباطی بین زوجین باشد چرا که این دو متغیر می‌تواند اثربخشی بیشتری در کاهش تعارضات زناشویی داشته باشد.

۵. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، رضایت پاسخگویان برای شرکت در پژوهش کسب شد و شرکت کنندگان در جریان کامل انجام پژوهش قرار گرفتند. همچنین به آنان اطمینان داده شد که پاسخ‌های محرمانه باقی خواهد ماند و نتایج پژوهش به صورت بی نام منتشر خواهد شد. از آنجا که این مقاله از رساله دکتری استخراج شده است دارای ک اخلاق به شناسه IR.BPUMS.REC.1400.07 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر است.

۶. سپاسگزاری

این مقاله از رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد بوشهر است. از تمامی مراکز مشاوره و پاسخگویان که به محقق اعتماد کردند و این فرصت را دادند تا این تحقیق به سرانجام برسد بسیار قدردانی می‌کنم. بدون شک، پژوهش به دلیل پیچیدگی‌های آن، نیاز به پشتیبانی و کمک همکاران دارد و شما با کمک و پشتیبانی خود، به من کمک زیادی کردید تا به بهترین شکل ممکن در پژوهش

پیش بروم. بازخوردها و نظرات شما برای من بسیار ارزشمند هستند و به من کمک می‌کنند تا پژوهش خود را بهبود بخشم. به همین دلیل، از شما متشکرم که وقت خود را صرف ارائه بازخورد و نظرات سازنده کردید.

۷. حمایت مالی

در این پژوهش از هیچ سازمانی حمایت مالی صورت نپذیرفته است.

۸. تعارض منافع

این مقاله در نتیجه فعالیت‌های اینجانب و همکارانی است که اسامی آنان در این پژوهش ذکر شده است و تمامی نویسندگان در مورد ارسال مقاله به این نشریه آگاهی دارند و حقوق کلیه افرادی که به نحوی در اجرای آن مشارکت و همکاری داشته‌اند رعایت شده است. این تحقیق طبق کلیه قوانین و موضوعات اخلاقی آماده شده و در جریان اجرای آن هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است.

منابع فارسی:

ایمانی کیا، ز، زنگنه مطلق، ف، و بیات، م.ر. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی رویکرد آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد و رویکرد شناخت درمانی هیجان مدار بر میزان دیدگاه فهمی خود، دیدگاه فهمی همسر در زوجین متعارض. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹(۴)، ۵۷۵-۵۸۹.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352029.1400.19.4.2.5>

بیداری، ف، امیرفرخایی، آ، زارعی، ا، و کرامتی، ک. (۱۴۰۰). اثربخشی طرحواره درمانی بر باورهای غیرمنطقی و خودتنظیمی هیجانی زنان دارای تعارض زناشویی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه. *مجله دست آوردهای روان شناختی. علوم تربیتی و روانشناسی*، ۴(۲)، ۲۴۱-۲۶۴.

<https://doi.org/10.22055/psy.2021.35143.2602>

پهلوان شریف، س، و مهدویان، و. (۱۳۹۴). مدل سازی معادلات ساختاری با AMOS. تهران: نشر بیشه.

ثنائی، ب، علاقبند، س، و فلاحتی، ش. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج تهران: بعثت.

خجسته مهر، ر، روشن روان، ن، و عباس پور، ذ.ا. (۱۳۹۶). ارزیابی ویژگی‌های روان سنجی مقیاس‌های دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر، دو

فصلنامه روان شناسی خانواده، ۳(۱)، ۹۲-۸۱. https://www.ijfpjournal.ir/article_245513.html

شریفی رهنمو، س، سلطانپور، م، و نقوی، م. (۱۴۰۰). پیش بینی نگرش به آسیب‌های اجتماعی براساس میزان بهزیستی روان شناختی و هیجان خواهی در جوانان: *انتظام اجتماعی. مطالعات فرهنگی پلیس*، ۸(۱)، ۴۷-۵۷. <https://doi.org/10.22034/hpsj.2021.95979>

شهرستانی، م، دوستکام، م، رهباندار، ح، مشهدی، ع. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۴(۱۴)، ۴۱-۱۹.

https://jwc.ahvaz.iau.ir/article_523855.html

شیری، ط، رسولی، آ، و حجت خواه، س. م. (۱۳۹۸). نقش باورهای ارتباطی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی رضایت جنسی پرستاران زن متأهل شهر کرمانشاه. *رویش روان شناسی*، ۸(۸)، ۷۳-۶۳.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.8.4.4>

عیسی نژاد، ا، علیپور، ا، و کلهری، ص. (۱۳۹۶). فراهم سازی ارزیابی تراز خودتنظیمی زناشویی در جامعه ایرانی: آزمون پایایی، روایی و ساختار عاملی نسخه ایرانی سنج خودتنظیمی رفتاری برای روابط کارآمد در زوج‌ها. *نشریه علمی مشاوره و روان درمانی خانواده*.

<https://doi.org/10.22034/fcp.2018.57817> ۱۴۷-۱۲۶.

غفوریان م، فهیمه، کربلایی، م، و میگونی، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر خودتنظیمی زناشویی و رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی در زنان دارای تعارضات زناشویی. *مجله راهبردهای نو در روانشناسی و علوم تربیتی*، ۲(۲)، ۲۴-۱.

<https://www.ijpk.ir/showpaper/82543837264b86b888e8ea>

فرهنگی، ع. (۱۴۰۰). طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای ارتباطی غیرمنطقی: نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض کارآمد، *پژوهش نامه زنان*، ۲(۳۵)، ۱۴۹-۱۳۱. <https://doi.org/10.30465/ws.2021.29257.2903>

کاظمیان، م. ه. ک. و حسینیان، س. (۱۳۹۷). رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۹(۳۱)، ۱۴۶-۱۳۱.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1397.9.31.8.8>

هراتیان، ع.، جان بزرگی، م.، آگاه هریس، م.، موتابی، ف.، صفورائی پاریزی، م. م. (۱۳۹۹). رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی، نقش تعدیل‌کننده دینداری. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۵۱)، ۹۱-۱۱۵.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1399.15.51.5.6>

Reference

- Afifi, T., Granger, D., Ersig, A., Tsalikian, E., Shahnaazi, A., Davis, S., Scranton, A. (2019). Testing the theory of resilience and relational load (TRRL) in families with type I diabetes. *Health communication*, 34(10), 1107-1119.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10410236.2018.1483981>
- Alson, D. M., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1987). The satisfaction with marriage scale: A non-reactive measure of marital satisfaction. *Journal of Marriage and Family*, 49(1), 93-98.
<https://doi.org/10.2307/351382>
- Amos, R., Allsop, S., & Bremner, P. (2018). The link between relationship beliefs and marital conflict: A literature review and research agenda. *Journal of Family Theory & Review*, 10(4), 756-772.
- Bartlett, M. S., Kotrlik, J. W., & Higgins, C. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1), 43-50.
<https://www.opalco.com/wp-content/uploads/2014/10/Reading-Sample-Size1.pdf>
- Bidari, F, Amirfakhraei A, Eghbal Z. (2022). Effectiveness of Schema Therapy on The Irrational Beliefs and Emotional Self-Regulation of the Women with Marital Conflict with Early Maladaptive Schemata, *Psychological Achievements*, 4(28), 241-264.
<https://doi.org/10.22055/psy.2021.35143.2602> (in Persian).
- Boersma, K., Södermark, M., Hesser, H., Flink, I. K., Gerdle, B., & Linton, S. J. (2019). Efficacy of a transdiagnostic emotion-focused exposure treatment for chronic pain patients with comorbid anxiety and depression: a randomized controlled trial. *Pain*, 160(8), 1708.
<https://doi.org/10.1097%2Fj.pain.0000000000001575>
- Cadely, H. S.-E., Finnegan, V., Spears, E. C., & Kerpelman, J. L. (2020). Adolescents and sexual risk-taking: The interplay of constraining relationship beliefs, healthy sex attitudes, and romantic attachment insecurity. *Journal of adolescence*, 84, 136-148.
<https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2020.08.010>
- Chelladurai, J. M., Dollahite, D. C., & Marks, L. D. (2020). Text-map analysis: An introduction to the method and an examination of relationship self-regulation and religion. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 9(1), 45.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/cfp0000133>
- Chen, S., Chen, T., & Bonanno, G. A. (2018). Expressive flexibility: Enhancement and suppression abilities differentially predict life satisfaction and psychopathology symptoms. *Personality and Individual Differences*, 126, 78-84.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.010>
- Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(1), 73-81
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.59.1.73>
- Contardi, A., Imperatori, C., Penzo, I., Del Gatto, C., & Farina, B. (2016). The association among difficulties in emotion regulation, hostility, and empathy in a sample of young Italian adults. *Frontiers in psychology*, 7, 1068.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.01068>
- Cribbet, M. R., Smith, T. W., Uchino, B. N., Baucom, B. R., & Nealey-Moore, J. B. (2020). Autonomic influences on heart rate during marital conflict: Associations with high frequency heart rate

- variability and cardiac pre-ejection period. *Biological Psychology*, 151, 107847. <https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2020.107847>.
- Cristofani, C., Sesso, G., Cristofani, P., Fantozzi, P., Inguaggiato, E., Muratori, P. & Polidori, L. (2020). The role of executive functions in the development of empathy and its association with externalizing behaviors in children with neurodevelopmental disorders and other psychiatric comorbidities. *Brain Sciences*, 10(8), 489. <https://doi.org/10.3390/brainsci10080489>.
- Cuff, B. M., Brown, S. J., Taylor, L., & Howat, D. J. (2016). Empathy: A review of the concept. *Emotion review*, 8(2), 144-153. <https://doi.org/10.1177/1754073914558466>.
- Epstien, N, & Eidelson, R.J. (1981), Unrealistic beliefs of clinical couples. Their relationship to expectations, goals and satisfaction. *The American journal of family therapy*, 4. 13-2. <https://doi.org/10.1080/01926188108250420>.
- Farhangi, A. (2022). Early maladaptive schemas and irrational relationship beliefs: The mediating role of efficient conflict resolution styles; 12(35), 131-149. <https://doi.org/10.30465/ws.2021.29257.2903> (in Persian).
- Ghafourian Mohebi, F., Karbalai, M., Mieiguny, A.(2020). The effectiveness of life skills training on marital self-regulation and attachment behavior in marital relationships among women with marital conflicts; *Journal of New Strategies in Psychology and Educational Sciences*, 1(2), 1-24. <https://www.ijpk.ir/showpaper/82543837264b86b888e8ea> (in Persian).
- Haratian, A.-A., Janbozorgi, M., Herris, M. A., Mutabi, F., & Parizi, M.-M. S. (2020). The Relationship between Early Maladaptive Schemas and Irrational Beliefs with Marital Conflict, the Moderating Role of Religiosity. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 15(51), 91-115. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1399.15.51.5.6> (in Persian).
- Imanikia, Zeinab, Zangeneh Motlagh, Firouzeh, & Bayat, Mohamadreza. (2022). Comparison the Effectiveness of Acceptance and Commitment-Based Education Approach and Emotion-Based Cognitive Therapy Approach on Their Cognitive Perspective, Spouse's Cognitive Perspective in Conflicting Couples. *Journal of research in behavioural sciences*, 19(4), 575-589. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352029.1400.19.4.2.5> (in Persian).
- Isanejad, O., Alipour, E., & Kalhori, S. (2018). Assessment of marital self-regulation in Iranian population: Studying reliability, validity and factor structure of Persian version of Behavioral Self-Regulation for Effective Relationships Scale (BSRERS) in couples. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 7(2), 126-14. <https://doi.org/10.22034/fcp.2018.57817> (in Persian).
- Jameson, J. P., Hall, J. A., & Fincham, F. D. (2015). The role of couple cognitions in sexual well-being and satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 32(2), 199-219. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0265407514547310>.
- Kazemian moghadam, K., Honarmand, M. M. Z., & Kiamanesh, A. (2018). The casual relationship of differentiation, meaningful life, and forgiveness with marital disaffection by mediating role of marital conflict and marital satisfaction. *Journal of Psychological Models and Methods*, 9(31), 131-146. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1397.9.31.8.8> (in Persian).
- Khojasteh Mehr, R., Roshan Ravan, N., & Abbaspour, Z. (2016). Evaluation of psychometric properties of the Self Dyadic Perspective-Taking (SDPT) and Other Dyadic Perspective-Taking (ODPT) scales. *Journal of Family Psychology*, 3(1), 81-92. https://www.ijfpjournal.ir/article_245513.html (in Persian).
- Kline, P. (2013). *Handbook of psychological testing*: Routledge. New York, NY: Routledge.
- Long, E. C. (1990). Measuring dyadic perspective-taking: Two scales for assessing perspective-taking in marriage and similar dyads. *Educational and Psychological Measurement*, 50(1), 91-103. <https://doi.org/10.1177/0013164490501008>

- Makhanova, A., McNulty, J. K., Eckel, L. A., Nikonova, J., & Maner, J. K. (2018). Sex differences in testosterone reactivity during marital conflict. *Hormones and Behavior*, *105*, 22-27. <https://doi.org/10.1016/j.yhbeh.2018.07.007>.
- Neumann, A. P., Wagner, A., & Remor, E. (2018). Couple relationship education program “Living as Partners”: Evaluation of effects on marital quality and conflict. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, *31(26)*, 1-13. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1186/s41155-018-0106-z>.
- Nofziger, H., Cope, M. R., & Desmarais, S. L. (2014). Self-regulation and marital satisfaction: A study of middle-aged and older couples. *Journal of Adult Development*, *21(2)*, 85-94. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10804-014-9177-9>.
- Pahlavan Sharif, S., & Mahdavian, V. (2015). *Structural equation modeling with AMOS*. Tehran: Nashre Bishah. (in Persian).
- Papp, L. M. (2018). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *17(1)*, 7-24. <https://doi.org/10.1080/15332691.2017.1302377>.
- Rackham, E., & Larson, J. (2020). Relationship self-regulation: An integrative review of the literature. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, *9(4)*, 219-238. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/cfp0000153>.
- Scornavacca, E., & Smither, J. W. (2003). Development and validation of the Differentiation of Self Inventory. *Journal of Counseling Psychology*, *50(3)*, 533-538. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/002204260303300301>.
- Sharifi-rahamo, S., Sultanpour, M., Naqvi, M. (2022). Prediction of attitude towards social damage based on the level of psychological well-being and thrill-seeking in young people: social order. *Police Cultural Studies*, *8(1)*, 47-57. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.8.4.4> (in Persian).
- Sherie, T., Rasouli, A., & Hojjatkah, S. M. (2019). The role of communication beliefs and personality traits in predicting sexual satisfaction of married woman nurses in Kermanshah city. *Rooyesh*, *8(8)*, 63-72. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.8.4.4> (in Persian).
- Sigelman, C. K., & Rider, E. A. (2018). *Life-span human development*: Cengage Learning.
- Taylor, L. K., O'Driscoll, D., Dautel, J. B., & McKeown, S. (2020). Empathy to action: Child and adolescent out-group attitudes and prosocial behaviors in a setting of intergroup conflict. *Social development*, *29(2)*, 461-477. <https://doi.org/10.1111/sode.12421>.
- Thomas, G. J., Fletcher, G. J., & Lange, L. A. (2016). The role of relationship beliefs in the experience of relationship conflict among young couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, *33(1)*, 3-24. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0265407515588165>.
- vander Stouwe, T., Asscher, J. J., Hoeve, M., van der Laan, P. H., & Stams, G. J. J. (2018). The influence of treatment motivation on outcomes of social skills training for juvenile delinquents. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, *62(1)*, 108-128. <https://doi.org/10.1177/0306624X16648130>.
- Wilson, S. J., Charker, J., Lizzio, A., Halford, W. K., & Kimlin, S. (2005). A behavioral self-regulation questionnaire for use in couples' relationships. *Family Process*, *44(4)*, 465-482. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2005.00074.x>.
- Yang, X., Zhu, L., Chen, Q., Song, P., & Wang, Z. (2016). Parent marital conflict and Internet addiction among Chinese college students: The mediating role of father-child, mother-child, and peer attachment. *Computers in Human Behavior*, *59*, 221-229. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.01.041>

Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, 39(1), 5-27. <https://doi.org/10.1177/0272431617725193>

پیوست ۱-

